

اولیا چلبی و روستای سهلان

(قدرت ابوالحسنی سهلان)

(۱) مقدمه

اولیا چلبی، جهانگرد معروف اهل عثمانی بود که در قرن ۱۱ هجری قمری (۱۷ میلادی) زندگی میکرد. طبق ویکی پدیای فارسی، او چهل سال در خاک امپراتوری عثمانی و سرزمین‌های همجوار به سفر پرداخته، مشاهداتش را در سفرنامه‌ای به نام سیاحت‌نامه اولیا چلبی نوشته است. این سیاحت‌نامه در ۱۰ جلد به رشته تحریر درآمده است. همچنین اثر ارزشمند سیاحت‌نامه چلبی سال ۲۰۱۲ میلادی در حوزه گردشگری جزو فهرست میراث معنوی سازمان یونسکو هم به ثبت رسیده است.

بخشی از سیاحت‌نامه اولیا چلبی، اختصاص به تبریز و اطراف آن بوده، مربوط به سال ۱۰۵۰ هجری قمری (دوره صفوی و زمان سلطنت شاه صفی) است. چلبی برای سفر به تبریز از شهر مرند حرکت کرده، قبل از سهلان در روستایی بنام کهریز (Kehrîz) می ماند و پس از طی هفت ساعت حرکت به سمت قبله (جنوب) به روستای سهلان میرسد. نگارنده تا آنجایی که پرس و جو کرده، روستایی به نام کهریز بین مرند و سهلان نیافته است. در هر حال، اولیا چلبی به روستای سهلان رسیده، قبل از عزیمت به تبریز در آنجا منزل میگزیند. چلبی در سیاحت‌نامه مشاهدات خود از روستای سهلان را بصورت مختصر زیر آورده است.

متن ترکی عثمانی با الفبای لاتین نوشته چلبی:

Menzil-i kend-i Sehlân: Tebrîz hânı hâssıdır. Bir düz sahrâda bin hâneli ve bâğ u bâğçeli ve yedi câmi'li ve hân [u] hammâmlı ve müfid [u] muhtasar esvâk-ı şâhîli ve cümle bîd-i ser-nigûn, çınarlar ile müzeyyen râhlı kend-i müzeyyendir kim cümle Tebrîz halkının bu kend-i imâristânda bâğ u bostânda kasr-ı alîleri ve teferrücgâh hâneleri vardır. Lâkin bu kendin dahi ahâlîsi Şâfi'îyyü'l-mezheb geçinirler ammâ bunlar dahi mel'ûn Râfizîler'dir. Ammâ âb [u] hevâsı ve mahbûb u mahbûbesi memdûh-ı âlemdir. Bundan kalkup giderken sağ tarafımızda Şam-ı Gazan-ı Muhammed Şâh kubbesi eflâke ser çekmiş altı sâ'at yerde nümâyân idi.

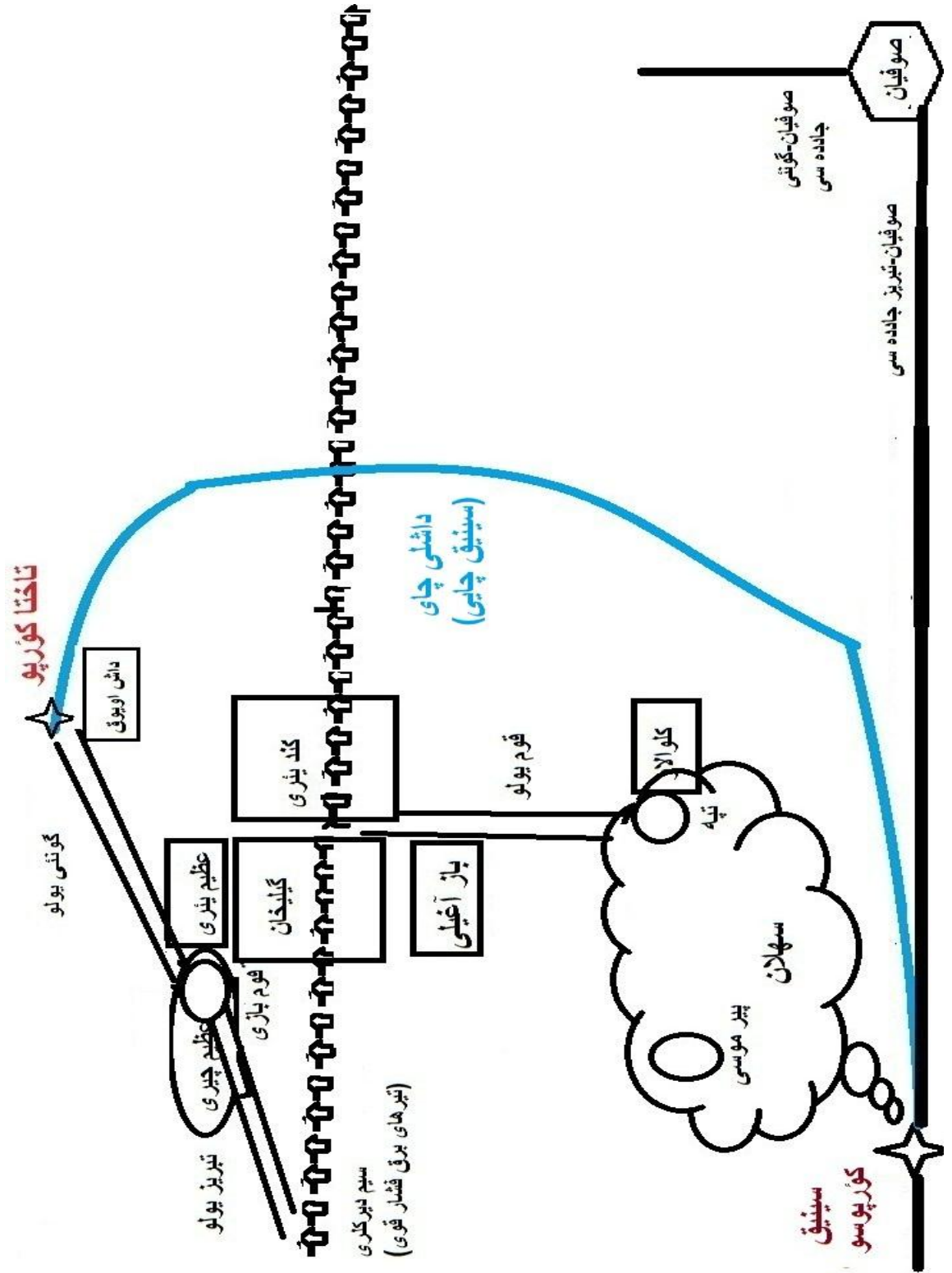
(جلد دوم کتاب، صفحه ۱۲۰ و ۱۲۱)

ترجمه فارسی متن:

منزل روستای سهلان: مخصوص خان تبریز است. در یک صحرای هموار واقع شده، دارای هزار خانوار و باغ و باغچه هاست و هفت مسجد و کاروانسرا و حمام و مفید و مختصر بازار و دکان دارد و راهپایش تماما بید سرنگون، آراسته با چناران روستایی مزین است که تمام خلق تبریز در این عمارت‌های روستایی و باغ و بستانها قصر عالی و تفرجگاه خانه ها دارند. لکن اهالی این روستا با مذهب شافعی روزگار میگذارند، ولی اینها دیگر رافضیهای معلون هستند. اما آب و هوا و محبوب و محبوبه آن ممدوح جهان است. موقع برخاستن و رفتن از اینجا در طرف راستمان گنبد شام غازان محمد شاه سر به آسمان کشیده از محل شش ساعت نمایان بود.

جهت روشن شدن بیشتر موضوع و تغییراتی که از آن موقع در روستای سهلان و منطقه رخ داده، در شکل ۱ مکان فعلی

سهلان و محلہایی که بنا به ضرورت بحث خواهند شد، بطور تقریبی آورده شده اند.



شکل ۱: سمت غرب طرف دریاچه اورمیه، شرق طرف کوهها و سینیک کورپوسو، سمت جنوب شرق تبریز و شمال و شمال غرب منطقه گوئی (به مرکزیت شبستر) میباشد.

(۲) توضیحات در مورد نوشته اولیا چلبی

(۲-۱) چلبی در سفرنامه اش اسم خان تبریز در آن زمان را کلب علی خان (Kelp Alî Hân) ذکر کرده است.

(۲-۲) نوشته از آبادی و پر جمعیت بودن روستا در آن دوره حکایت میکند. این، گفته های افراد مسنی که میگویند سهلان در قدیم بسیار وسیع بوده است را تصدیق می نماید. قابل تامل است که روستای فعلی سهلان طبق آمار سال ۱۳۹۵ شمسی حدود هزار خانوار داشته است. یعنی تازه جمعیت روستا تقریبا به اندازه جمعیت حدود ۴۰۰ سال پیش آن رسیده است! در ادامه به دلایل این موضوع خواهیم پرداخت.

(۲-۳) طبیعت با صفای و آب و هوای آنزمان روستا مورد علاقه مردم تبریز بوده است و در آن برای خودشان عمارت و تفرجگاه می ساخته اند. از گفته افراد مسن روستا نیز استنباط میشود در گذشته رودخانه داشلی چای (سینیک چایی) که آب کشاورزی روستا از آن تامین میشود پر آبتر و تمیزتر بود و حتی در فصل بهار جهت نوشیدن میشد از آن استفاده کرد.

(۲-۴) سند نشان میدهد روستای سهلان آن سالها در مرحله ترک مذهب سنی (شافعی) و روی آوردن به تشیع بوده است.

(۲-۵) وجود کاروانسرا میرساند که سهلان در مسیر رفت و آمد مسافران واقع بوده است. یعنی در مسیر راه تبریز به مرند،

شبستر، خوی، سلماس، اورمیه و غیره بوده است و برای کاروانها و همراهانشان منزل، غذا، حمام و مایحتاج مورد نیاز تامین میکرده است. برای حیوانات مسافران نیز محل نگهداری و علوفه تامین مینموده است. امروزه اثری از کاروانسرای موصوف نیست و در مورد مکان آن هم چیزی شنیده نشده است.

۶-۲) چلبی نام این روستا را سهلان مکتوب کرده است. نامی که فقط در کتابتها از آن استفاده شده است. نگارنده در مقاله "ریشه شناسی نام روستای سهلان" که در ماهنامه ویژه سهلان ائل بیلیمی چاپ شده، نشان داده است سهلان نمی تواند نام صحیح این روستا باشد بلکه ساغالان ریشه نام آن میباشد. بعد از چاپ مقاله فوق، اطلاع حاصل شد که گروهی از اهالی گوئی، از جمله اهالی روستای نادارلی (نظرلو) و برخی از اهالی روستای قوم تپه (قم تپه) برای این روستا نام ساغالان را بکار هم میبرند. در نزدیکیهای صوفیان نیز، مثلا در روستای کوندور (کندرود) و کول آوا (گل آباد) این روستا را ساوالان مینامند. چون در لهجه این مناطق حرف غ اغلب به حرف و تبدیل میشود. یعنی ساغالان به ساوالان تبدیل شده است. قابل ذکر است که در قدیم سهلان برای مردم گوئی روستایی آشنا و پلی برای رسیدن به تبریز بوده است. روستا حتی گاه در تقسیمات کشوری جزو گوئی هم بوده است.

۳) مکان روستای سهلان منزلگاه چلبی

نگارنده در مقاله "دورسون آلی و صفرلی قدیمترین طوایف سهلان" ائل بیلیمی ذکر شده بالا نشان داده است که روستای فعلی سهلان از مکانی بنام تپه که در شکل ۱ مشخص شده شروع به توسعه نموده است. روستا در اول

فقط شامل دو-سه کوچه بوده است. همچنین سابقه شکل گیری طوایف فعلی روستا نیز با توجه به شجره استخراج شده آنها نباید بیش از ۲۰۰ سال پیش باشد. بدین ترتیب، روستای بزرگ و آبادی که چلبی نزدیک ۴۰۰ سال پیش در آن مانده، نمی تواند سهلان کوچک حدود ۲۰۰ سال پیش باشد!

همان طوری در بالا ذکر شد، چلبی به وسعت روستای سهلان به نوعی اشاره کرده است. در حدود ۲ کیلومتری روستا و سمت دریاچه اورمیه هم مزرعه وسیعی با نام "کند یئری" (کت یئری) وجود دارد که توجه را به خود جلب مینماید! پرس و جو از روستاییان نشان میدهد این مزارع وسیع نزدیک گونئی یولو (راه قدیم گونئی-تبریز) زمانی مکان روستای سهلان بوده اند. پس بایستی، روستایی که سیاح عثمانی مانده در همین این محدوده کند یئری بوده باشد.

(۴) جسجوی دلایل کوچکتر و کم اهمیتتر شدن روستا

حتما اتفاق مهمی افتاده که روستا را در عرض کمتر از یکصد سال کوچکتر و کم اهمیتتر کرده است. بایستی در محدوده زمانی مزبور تخریب یا آسیبهای بزرگ به این روستا رسیده باشد. موقع حفاریها از کند یئری آثار معیشت و زلزله بدست می آیند و با این شواهد به نظر میرسد عامل اصلی از بین رفتن سهلان بزرگ واقع در کند یئری باید پدیده زلزله باشد.

در طول تاریخ زلزله هایی مهیبی در شهر تاریخی تبریز و منطقه آن اتفاق افتاده اند که وقوع و آسیبهایشان ثبت گشته اند. بدیهی است زلزله های اتفاق افتاده تبریز در سهلانی که در سه فرسنگی آن قرار دارد نیز احساس شده و آثار مخربی در آن داشته باشند. مطابق نوشته یحیی ذکاء در کتاب زمین

لرزه های تبریز، سالهای وقوع هشت زمین لرزه مهلك و
ویرانگر تبریز عبارتند از:

- ۱- ۸۵۸ میلادی (۲۴۴ هجری قمری)
- ۲- ۱۰۴۲ میلادی (۴۳۴ هجری قمری)
- ۳- ۱۲۷۲ میلادی (۶۷۱ هجری قمری)
- ۴- ۱۶۴۱ میلادی (۱۰۵۰ هجری قمری)
- ۵- ۱۶۵۰ میلادی (۱۰۶۰ هجری قمری)
- ۶- ۱۷۲۱ میلادی (۱۱۳۳ هجری قمری)
- ۷- ۱۷۷۴ میلادی (۱۱۸۸ هجری قمری)
- ۸- ۱۷۸۰ میلادی (۱۱۹۴ هجری قمری)

با مقایسه تاریخ این زلزله ها با زمان حضور سیاح عثمانی در سهلان، دو زلزله بزرگ نزدیک به آن زمان، بفاصله ۱۰ سال اتفاق افتاده اند که جلب توجه میکنند: زلزله های سالهای ۱۰۵۰ و ۱۰۶۰ قمری. زلزله اول در زمستان شامگاه جمعه مورخ ۴ ذیقعدہ سال ۱۰۵۰ رخ داده و موجب تخریب آثاری چون شام غازان شده بوده است. شام غازان شکوهمندی که در همان سال برای چلبی موقع برخاستن از سهلان و حرکت به سوی تبریز از فاصله دور نمایان بود. ذکاء از زلزله دوم هیچ آگاهی خاصی ارائه نمیدهد. بنابر این به احتمال فراوان همان زلزله سال ۱۰۵۰ روستای سهلان آباد توصیف شده توسط چلبی در نیمه اول همان سال را بکلی از بین برده است.

شهر تاریخی تبریز بعد از نابودی بر اثر زمین لرزه های مهلك، معمولا سریع از نو ساخته شده و توسعه یافته است. ولی سهلان نتوانسته بر خلاف تبریز ازدیاد سریع مجدد جمعیت و توسعه داشته باشد. طبیعی است تخریب کلی زلزله موجب انتقال روستا به مکان جدید گردد. این مکان که در ادامه به آن

اشاره خواهد شد به مسیر صوفیان-تبریز فعلی نزدیکتر است تا مسیر قدیم گونئی.

علاوه بر پدیده زلزله، عامل دیگر جنگها و کشتارهای تاریخی است. با سقوط صفویان در سال ۱۷۲۲ میلادی توسط محمود افغان تا حدود سال ۱۸۳۰ ایران صحنه آشوب، کشتار، ناامنی و غارت بوده است. اول، حمله افغانها، جنگهای نادرشاه، ظهور کریم خان زند و به حکومت رسیدن قاجار روی داده اند. بعد از آن نیز جنگهای ایران و روس اتفاق افتاده اند. اینها طبیعتاً صدمات عمده را به شهر و روستاهای بین مسیر نظیر سهلان رسانده اند.

(۵) تغییر مکانهای روستای سهلان

در قدیم موقع زلزله و تخریب کلی روستا بعضاً آنرا جابجا میکردند. من فکر میکنم بعد از کند یثری مکان جدید روستا، قبل از اینکه به تپه منتقل شود، برای کمتر از یکصد سال زمینهای چسبیده به تپه موسوم به کلوالار بوده است. چون از اسم کلوالار (به معنی خرابه ها) میتوان استنباط کرد آثاری از ساخت و ساز دیده میشود ولی از کند یثری چنین استنباط نمیشود. از اهالی شنیده شده است، برخی دیوارهایی که موقع حفاریها در کلوالار بدست آمده اند دیوارشان گچی بوده است و این با خانه های کاهگلی روستای فعلی که از بدو تشکیل در تپه تا ۲۰-۴۰ سال پیش رواج داشته، متفاوت بوده است. این خانه های گچی میتواند آثار عمارات تبریزیان هم باشد.

با نگاه دو باره به لیست زمین لرزه های ویرانگر بالا، هسته روستای فعلی بایستی پس از زلزله سال ۱۱۳۲ هجری قمری که آنهم جزو زلزله های مهلک بوده است شکل گرفته باشد.

یعنی، این زلزله مخرب موجب انتقال روستا را از کلوالار به تپه و با تعداد اندکی خانوار شده است. طبق روایتها روستای فعلی برای سالها مسجد نداشته است و تپه مچیدی اولین مسجد این روستا میباشد. این مسجد عمری کمتر از ۲۰۰ سال خواهد داشت که طبق گفته روستاییان صفر جد طایفه صفرلی بانی آن بوده است. از ابتدای بنای تپه مچیدی هم در آن اعتقادات تشیع تبلیغ شده است. همچنین به گفته یکی از افراد با سواد سهلان، از ابتدای قبرستان فعلی روستا سنگ قبر شخص غریبی بنام ظل السلطان پیدا شده بود که نوشته اش نشان میداد به حدود ۲۰۰ سال پیش متعلق است. گویا ظل السلطان حین عبور از سهلان در گذشته است. تاریخ فوق نشان میدهد که استفاده از این قبرستان سابقه حدود ۲۰۰ ساله دارد. قابل ذکر است که روستاییان سهلان تا سالهای اخیر بر سر مزار مردگان خویش فقط یک سنگ سر (باش داشی) کوچک میگذاشتند و هیچ کس سنگ قبر نوشته دار نداشت. یا فوت شدگان را مدتی در قبرهای امانتی (داملی قبرلر) نگه داشته و سپس به شهر قم منتقل میکردند. ضمناً کتیبه نشانه اعتبار ظل السلطان نیز است.

۶) آثار قدیمی روستای سهلان

آثار زلزله، استخوان مردگان و حتی اسکلت سالم، ظروف سفالی و اشیاء قدیمی موقع حفاریها در روستا و اطراف آن فراوان بدست می آیند. پیرموسی، تپه، کند یثری، گیلیخان و قوم بازی که موقعیت تقریبی آنها در شکل ۱ نشان داده شده، محللهایی هستند که از آنها گزارش یافتن آثار اغلب از آنها شنیده میشود. مشخص نیست چه اشیا با ارزش تاریخی از این محوطه ها پیدا شده و به تاراج رفته اند؟! نگارنده در مورد پیرموسی و تپه که در حال حاضر داخل روستا قرار گرفته اند،

در ویژه نامه ذکر شده ائل بیلیمی مطالب کوتاهی آورده است. در ادامه در مورد مکانهای نشان داده شده شکل ۱ بصورت جداگانه آورده توضیحات مختصری آورده میشود.

۱-۶) پیرموسی: نام یک تپه باستانی می باشد و در بالای آن، امامزاده ای به نام پیرموسی موجود میباشد که تپه نام خود را از او اخذ نموده است. طبق اطلاعات که از آن منتشر شده، قدمت پیرموسی پیش از تاریخ - اشکانی (پارت) است. این اثر، در ۱ فروردین سال ۱۳۴۷ با شماره ۷۸۴ به عنوان یکی از آثار ملی ایران نیز به ثبت رسیده است.

۲-۶) تپه: تپه، یک محوطه ی باستانی مشهور در روستای سهلان میباشد. به نظر میرسد، تپه بر اثر انباشته شدن خاکسترهای فراوان به وجود آمده است. شنیده شده است، حتی اشیاء مربوط به قبل از اسلام هم از تپه بدست آمده است.

برای تخمین ارتفاع خاکستر اولیه تپه که شعاع آن تقریباً ۵۰ متر است، نگارنده با صاحبان دو حیاط مقابل هم واقع بر فراز تپه فعلی (منازل آقایان محمدعلی روشنایی و فیض اله دهاتی) گفتگو کرده است. محمدعلی روشنایی، صاحب حیاط سمت مسجد که از معمرین روستاست میگوید، ارتفاع اولیه تپه را به اندازه بلندی دیوار منزلشان که بر فراز تپه است دیده است. در خانه او موقع کندن چاه در حدود ۱۰ متر مخلوط خاکستر و خاک استخراج میشود و سپس به شن و ماسه میرسد. در حیاط فیض اله حدود ۹ متر مخلوط کول و خاک استخراج، سپس به شن و ماسه رسیده اند. با این حساب (جمع ارتفاع خاکستر، بلندی دیوار منزل و گودی حیاطها) ارتفاع خاکستر اولیه بایستی حدود ۱۵ متر بوده باشد.

۳-۶) باز آغیلی (باز آغلی): برخی از اهالی روستا میگویند کشتزار موسوم به باز آغیلی، در قدیم بازار آغزی بوده است! اما به نظر من حتی اگر باز آغیلی فعلی در قدیم بازار هم باشد، بدست آمدن خود کلمه باز آغلی از بازار آغزی غیر منطقی میباشد! وقتی مردم منطقه به راحتی میتوانند بازار آغزی بگویند دلیلی ندارد آنرا به صورت باز آغیلی تلفظ کنند. باز آغیلی میتواند تسهیل شده بازی آغیلی باشد. یعنی آغلی که از بازی (بر آمدگی و مرز میان دو مزرعه) درست شده است. مرزی که احتمالاً خیلی برجسته بوده و میشد گوسفندان را در آنجا نگهداری نمود. از باز آغیلی آثار قدیمی چندانی هم یافت نمیشود.

۴-۶) گیلیخان (گیلخان): شایع است این کشتزار بزرگ در قدیم شهر بوده است!

موقع کندن زمینهای گیلیخان استخوانها، آثار زلزله و همچنین نهرها پدید می آیند. به نظر من، تفرجگاه و عمارتهای اهالی شهر تبریز که اولیا چلبی ذکر کرده به احتمال زیاد اساساً در گیلیخان بوده و این محل با ساخت و سازهای تبریزیان حالت شهری پیدا نموده است. طرف تبریز بودن این ناحیه نیز به این احتمال قوت میبخشد. اما لاقلاً در زمان چلبی گیلیخان جزو سهلان بوده و شهر نبوده است. اگر گیلیخان در آن زمان شهر میبود، طبیعتاً چلبی به آن اشاره میکرد. احتمال اینکه زمانی شهر گیلیخان یا شهری در محل گیلیخان وجود داشته باشد، بسیار کم است.

در مورد وجه تسمیه و ریشه این نام هم باید گفت که بنظر من از دو جز تشکیل شده گیلی+خان. معنی قسمت دوم (خان) روشن است. اما در مورد قسمت اول (گیلی/گیل)،

بنوشته محمد حسین بن خلف تبریزی، مؤلف لغتنامه برهان قاطع، گیلی جزو طوایف ترک بوده است. همچنین در کتاب تاریخ اوغوز نوشته فاروق سومر، ایزگیل (ایز+گیل) بعنوان یکی از اقوام اوغوز (ترک) آمده است. علاوه بر اینها روستاهایی مانند گيله ده/گیله دی رود (هشترود)، گيله ده/گیله دی کوه (هشترود)، گیلوزه (اهر)، گيله هین (بستان آباد)، گیلدیر (هریس)، گیلارلو (گرمی) و غیره در نقاط ترک نشین ایران وجود دارند که میتوانند با گیلی/گیل در ارتباط باشند. بنابر این معنی گیلیخان میشود خان طایفه گیلی (گیل). به نظر میرسد گیل ریشه بوده و گیلی تسهیل شده گیللی (گیل+لی) میباشد.

۵-۶) قوم بازی: با وجود قرار گرفتن این منطقه در داخل زمینهای آوار سفلی، دلایل زیر نشان میدهند این محوطه باستانی در گذشته (لااقل در زمان چلبی) باید متعلق به روستای سهلان بوده باشد. اولاً قوم بازی چسبیده به سهلان زمان چلبی است. ثانیاً صحرایی که قوم بازی را احاطه کرده، توسط اهالی آوار سفلی عظیم چیری نامیده میشوند و صحرای موازی آن در سمت سهلان عظیم یئری است. یعنی زمینهایی با نام واحد عظیم که متعلق به او بوده در بین دو روستا تقسیم شده اند. ثالثاً در این محل زمینهای آوار به داخل زمینهای سهلان تو رفتگی دارند. رابعا بعضی از اهالی روستا اظهار میدارند که تعدادی از اهالی آوار این قسمتها را در واقع تصاحب کرده اند! در هر حال باید قید شود، بحث در اینجا تاریخی است و در مورد سندیت زمینهای نزدیک قوم بازی کارشناسان اداره املاک تبریز باید نظر دهند. اصولاً، مرزها و حدود روستاها سیال بوده و خانها و اربابان و یا حاکمان محل

مرز دو منطقه را مشخص میکردند. خصوصا مرزهایی که طبیعی نیستند.

همانطوریکه در شکل ۲ نشان داده شده، این محل در کنار آغلی بنام رحمان آغیلی است. همچنین نزدیک به زمینهای مایان سفلی (آشاغی مایان) هم هست. شنیده شده محل قدیم روستای مایان (آشاغی مایان) هم نزدیک به این طرف بوده است.



شکل ۲ : نمایی از قوم بازی که آغل رحمان هم در آن مشخص است

در گذشته از سمت گونئی به قوم بازی می آمدند، از قوم بازی به سمت آلوار سفلی رفته، راه تبریز پیش میگرفتند. یعنی جاده گونئی-تبریز از این محل عبور میکرد است. بر روی داشلی چای هم پلی وجود داشت که آثار آن هنوز موجود است که در حال حاضر تاختا کورپو نامیده میشود.

روستاییان شنیده اند، قوم بازی بازار بوده است. بازار مورد اشاره چلبی هم شاید در همین مکان بوده است. احتمال دارد کاروانسرا هم در آن نزدیکی و شاید در عظیم یثری بوده است. این مکان بدلیل دور بودن از سهلان بیشتر محل کند و کاو جستجوگران غیر مجاز است. از آنجا گزارش کشف آثار قبل از میلاد هم شنیده شده است!

۶-۶) کند یثری (کت یثری): مکان کند یثری، در حال حاضر مزارع کشاورزی هستند که در کنار گیلیخان قرار دارند. از سال ۶۷۱ تا ۱۰۵۰ نزدیک ۴ قرن زلزله مهمی در تبریز ثبت نشده است و این امر میرساند که این موضوع می تواند از دلایل اصلی شکوفایی روستا در زمان بازدید اولیا چلبی بوده باشد. به احتمال فراوان هم مکان سهلان در آن قرنها باید همان کند یثری باشد.

(۷) سینیق کُورپو یا سینیق کُورپوسو

به این پل تاریخی در نوشته ها معمولا با نام سینیق (سینیق) کُورپو اشاره میکنند اما مردم منطقه به آن سینیق (سینیق) کُورپوسو می گویند.

رحیم هویدا، نویسنده مقاله پلهای تاریخی آذربایجان، در مورد این پل می نویسد: "از پلهای قابل ذکر تاریخی می توان از پل سنخ نامبرد این پل بر روی رودخانه کوچکی که از ارتفاعات شرقی سرچشمه گرفته و به رودخانه آجی چای میپیوندد بنا گردیده است. محل پل ما بین جاده قدیم تبریز-صوفیان و مرند در حدود قریه سهلان که در اصطلاح عامه به ساوالان معروفست میباشد و این جاده فعلا بلحاظ ایجاد راه آسفالته بازرگان-تاکستان متروک و پل جدیدی بر روی همین رودخانه با مسافتی بالاتر در شرق پل قدیم بنا کرده اند.

علت وجه تسمیه این پل به سنخ که به معنی شکسته است شکست قشون عثمانی از نادر شاه افشار میباشد زیرا در جنگی که بین نادر شاه افشار و مصطفی پاشا در نزدیکی سهلان در گرفت مصطفی پاشا تاب مقاومت نیاورد و رو بهزیمت نهاد."

در این تاریخ، دو پل در محدوده مورد بحث مشاهده میشود. یکی پلی است که بر روی جاده تبریز-صوفیان بسته شده است که اساس آن در زمانیکه هویدا به آن اشاره کرده در زمان محمدرضا شاه پهلوی ساخته شده و بعد از انقلاب مسیر توسعه و یکطرفه گشته است. دیگری پل باریکی است که در سمت بالاتر بنا شده است. این پل برخلاف اشاره هویدا جدید نیست بلکه مسیر قدیمتر از فعلی از همین پل میگذشته است و افراد مسن مورد پرس-جوی روستا این پل را برپا دیده اند. هر چند نوشته مغشوشی در یکی از قطعه سنگها هست که آنها را به سالهای اولیه رضاشاه مربوط مینماید. اما با توجه به تخته سنگهای متفاوت به کار رفته در پل به احتمال زیاد تعمیراتی در زمان رضاشاه در آن انجام شده و ساخت پل قبل از رضاشاه است. نگارنده از کارشناسان اداره راه تبریز که صاحب این پل است در مورد قدمت آن طرح سؤال نموده، ولی آنها در این مورد اظهار بی اطلاعی کرده اند!

فکر میکردم پل سینیک زمان نادرشاه همان پل باریک قدیمی است. در سالهایی هم آنها شکسته دیده بودم و در نوشته هایم هم از سینیک کورپو و هم از سینیک کورپوسو استفاده کرده ام. اما با بررسی و پرس وجو از افراد مطلع روستا به این نتیجه رسیدم که این پل، دقیقا پل سینیک زمان نادر شاه نیست! بلکه آن پل در سمت روستای سهلان پل جدید فعلی

چسبیده به آن قرار داشته است. پایه های آن تا سالهای اخیر موجود بوده، حتی کتیبه هم داشته که مفقود شده است!

در مورد وجه تسمیه هویدا باید اذعان کرد، نام این پل، پل شکسته نیست، بلکه پل شکست (شکست قوشون مصطفی پاشا) است. سینیق در ترکی هم به صفت شکسته و هم به اسم شکست (شکستگی) معنی میشود. ترکی پل شکست میشود سینیق کؤرپوسو نه سینیق کؤرپو! یعنی نامی که مردم منطقه (عوام) بکار میبرند صحیح است.

ولادیمیر مینورسکی، نویسنده کتاب تاریخ تبریز، درباره جنگ نادرشاه و مصطفی پاشا، صفحه ۶۲ کتاب، مینویسد: "بعد از دو سال نادر شاه قوشون مصطفی پاشا را در سهیلان (عامیانه: ساوالان یا سنخ کوپرو) نزدیک تبریز شکست داد و در هشتم محرم ۱۱۴۲ هـ (۱۷۲۹ م) به شهر وارد شد و رستم پاشا حاکم هشتروود را اسیر گرفت." (صفحه ۶۲)

از این نوشته تاریخی نیز میتوان استنتاج کرد، در تاریخ جنگ فوق، یعنی حدود ۳۰۰ سال پیش، سهیلان در محل فعلی قرار داشته است. مینورسکی نام روستا را سهیلان قید کرده است که تا جایکه نگارنده میداند نه به صورت مکتوب و نه به صورت تلفظ مردم منطقه مشاهده نشده است! اما ساوالان نامی است که هم بصورت مکتوب و هم در تلفظ مردم عوام استفاده شده است. ساوالان بسیار نزدیک به نام اصلی این روستا، یعنی ساغالان میباشد.

این دو موضوع (نام روستا و نام پل) در منابع فوق میرساند در تحلیل اسامی حتما باید اساس را بر اسامی و تلفظهای مردم بومی منطقه قرار داد نه کسانی که احیانا با فرهنگ و جغرافیای منطقه آشنایی کافی ندارند!

۸) گوئنی یولو

گوئنی یولو، راه محال گوئنی-تبریز بوده است. آثار آن هنوز هم در صحراها وجود دارد. میتوان گفت یکی از شعبات جاده تاریخی ابریشم هم همین گوئنی یولو بوده است. در منطقه، آلت گوئنی یولو (=گوئنی یولو) و اوست گوئنی یولو هم مطرح بوده است. روستاهای نزدیک صوفیان، محال موسوم به ارونق، از اوست گوئنی یولو خودشان را به سینیق کورپوسو میرساندند و راه تبریز در پیش میگرفتند ولی روستاهای دیگر منطقه گوئنی، موسوم به انزاب، همچنین خوی، سلماس و اورمیه خودشان را از طریق تاختا کورپو به قوم بازی و از آنجا به تبریز میرفتند. در حقیقت سهلان نقطه تلاقی سمت مرند و محال گوئنی بوده و منزلگاه یک روز فاصله از تبریز بوده است. پس میتوان نتیجه گرفت این روستا حتما در مسیر جاده ابریشم بوده است. این موضوع در سه راهی قرار داشتن سهلان را، نقشه معروف آدولف اشتیلر هم تصدیق مینماید. نقشه مزبور موسوم به نقشه ایران و توران در دوره قاجاریه است که به وسیله آدولف اشتیلر، نقشه‌نگار آلمانی، ترسیم شده، نام این روستا همانطویکه در شکل ۳ دیده میشود به آلمانی Sächlän درج شده است. طبق نظر یک مدرس زبان آلمانی، این اسم سئخلان (Sexlan) تلفظ میشود.



شکل ۳: نمایی از آذربایجان در نقشه ایران و توران در سده اخیر با ایجاد راههای شوسه و آسفالت جدید از طریق صوفیان، آنجا اهمیت بیشتری پیدا کرده و سهلان در کنار مانده است. چون همیشه رشد روستاها به راهها وابسته است.

منابع و ماخذ:

۱ ویکی پدیای فارسی

۲ سیاحتنامه اولیا چلبی، جلد دوم

<http://bizdosyalar.nevsehir.edu.tr/0b58c27b6778153b5ef2e5cff7ef37e7/evliya-celebi-seyahatnamesi-yeni-baski-02---evliya-celebi.pdf>

۳ ماهنامه ائل بیلیمی، چاپ تبریز، ویژه نامه سهلان، شماره ۷۸، سال ۱۳۹۵

۴ کتاب زمین لرزه های تبریز، نویسنده یحیی ذکاء، چاپ اول، سال ۱۳۶۸

۵ برهان قاطع تالیف محمد حسین بن خلف تبریزی بسال ۱۰۶۲ هجری قمری، باهتمام دکتر محمد معین، چاپ دوم فروردین ۱۳۴۲، جلد سوم

۶ اوغوزها (ترکمنها)، نوشته پروفیسور فاروق سومر، ترجمه آنادردی عنصری، انتشارات حاج طلایی، گنبد کاووس ۱۳۸۰

۷ مقاله پلهای تاریخی آذربایجان، نویسنده رحیم هویدا، بقیه از شماره ۱ سال هفتم:

<http://ensani.ir/file/download/article/20100914102210-438.pdf>

(برگرفته از مجله بررسیهای تاریخی، سال ۱۳۵۱ شماره ۳۹)

۸ کتاب تاریخ تبریز نویسنده ولادیمیر مینورسکی، ترجمه عبدالعلی کارنگ، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز، آیدین، ۱۳۸۹

۹ منابع شفاهی: آقایان عیسی آسمانی (سهلان)، محمدعلی دلیری (سهلان)، حسن صعودی (سهلان)، محمد بهروزی (سهلان)، موسی عمیدی (سهلان)، هدایت نیکقدم (سهلان)، علی جمالی نظرلو (نادارلی)، احمد آیدین فر(قوم تپه) رستم شعله کندی (کندرود)، محمدرضا شوکتی (آلوار علیا)، رامین گلشنی (تبریز/ مدرس زبان) و ...